

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا
۱۷ فبروری ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

آرزوهای نافرجام!!

هرچه رفت از عمر یادش به نیکی می کنند چهره امروز در آئینه فردا خوش است



عزیزان هموطن،

امروز خواستم کتابها و مواد اضافی اتاقم را سر و رو کنم و خود را از شر بعضی از آنها خلاص کنم. اتفاقاً به فلاپی دیسکی سر خوردم که در آن بیست سال قبل پروژه ای را نوشته بودم به نام School Health Package یا بسته صحتی مکتب. متأسفانه و با دریغ و درد که این پروژه با این فلاپی یکجا از اعتبار خارج شد و آرزوی بنده برای داشتن کودکان صحتمند و معیاری از نظر دانش، تربیه و رشد و نمو فیزیکی و روحی به یأس مبدل گشت. من در آغاز هجوم امریکائی ها با آن که مطمئن نبودم آنها برای کمک مردم ما آمده باشند ولی صرفاً به امید این که جنگی دیگر نخواهد بود، این پروژه را نوشتم. این پروژه به شکل نمونه ئی (pilot) در دو و یا سه مکتب در کابل قابل

تطبیق بود. مکتب به شکل Boarding school که در آن شاگردان در یک شفت درس می خواندند و شامل نان چاشت، استراحت و ورزش بود در نظر گرفته شده بود. شاگردان از سن ۵ سالگی در سه یا چهار صنف شامل دروس preschool [مدخل] می شدند و توأم با پروگرام درسی شان، تمام مراحل ثبت و راجستر صحتی آنها (Personal Health Record) مانند اندازه قد و وزن و محیط بازو، حالت واکسیناسیون، تعیین رؤیت و معاینه شنوایی، وضعیت رشد فیزیکی و انکشافی آنها و همچنان مونیتورنگ حالات روانی و سلوکی شان توسط یک نرس موظف که به این منظور تربیه می شد و به صورت همه وقته در مکتب حضور می داشت، به اجراء گذاشته می شد .

من بالای پروگرام تریننگ دو نرس به مدت یکماه و ریفرش تریننگ آنها نیز کار کرده بودم و فورمه های مورد ضرورت را با استفاده از نمونه های کشور هائی که در آن سفر هائی داشتم، تهیه نموده بودم. در این پروژه ویزت های منظم سه ماهه داکتر علاوه بر معرفی شاگردان به شفاخانه در صورت کدام مشکل عاجل صحتی، در نظر گرفته شده بود. پروژه قسمی انکشاف داده شده بود که والدین این کودکان در تماس صمیمی با اداره مکتب می بودند و ضمن جلسه های منظم با آنها برداشت هائی که معلمان از آموزش و سلوک و رفتار شاگردان ملاحظه می کردند با آنها شریک می کردند و نحوه همکاری آنها را معین می ساختند. پروژه قسمی ترتیب شده بود که به همان تعداد شاگردان که در ابتداء از اقشار مختلف جامعه جذب می شدند، به همان کمیت الی مراحل بعدی ادامه می دادند و شاگردان جدید جذب نمی شد .

این پروژه را با چند دونه و یک تطبیق کننده شریک کرده بودم و مورد علاقه آنها قرار گرفته بود ولی نخواستم در عدم موجودیت خودم آن را تطبیق کنند زیرا اعتماد بالای آنها در چنین امر خطیر برایم مشکل بود و از طرفی مطمئن نبودم پروژه با آن نتایج که خودم آرزو داشتم اقبال تطبیق بیابد

کودکان معصوم میهنم، شرمنده تان هستم...